

تاریخ و فرهنگ، سال چهل و نهم، شماره پیاپی ۹۸،
بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۳۶-۹

واکاوی تاریخی و انتظام زمانمند ارزش‌ها در حفاظت و مرمت آثار تاریخی- فرهنگی با استناد به آراء اندیشمندان و اسناد جهانی*

دکتر صمد سامانیان / دانشیار دانشگاه هنر^۱

دکتر مهدی حجت / استادیار دانشگاه تهران^۲

عادلہ محشم / دانشجوی دکتری مرمت اشیاء تاریخی، فرهنگ دانشگاه هنر^۳

چکیده

ارزش از بنیادی‌ترین پنداره‌ها در فلسفه حفاظت و مرمت آثار تاریخی بوده، در دوره‌های زمانی گوناگون با دگرگونی در ارزش‌های چیره بر جوامع، بنیان‌های نظری حفاظت و مرمت آثار نیز دستخوش تغییر شده‌اند. شناخت زمانمند ارزش‌ها در حفاظت و مرمت آثار و سیر آن در طول تاریخ، بنیان دستیابی به مفهوم "میراث فرهنگی" در ادوار زمانی گوناگون است. در این پژوهش، سیر تاریخی دیدگاه‌ها درباره ارزش و انتظام انواع آن در حفاظت و مرمت آثار تاریخی در سه بازه زمانی "پیش از سده ۱۸ میلادی"، "سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی" و "سده‌های ۲۰ و ۲۱ میلادی" مطالعه شد. هدف، واکاوی گذران تاریخی "دیدگاه اندیشمندان" و "نظرگاه اسناد جهانی" برای شناخت زمانمند و استخراج ارزش‌های مؤثر در تصمیم‌گیری‌های حفاظتی و مرمتی و جداسازی در سه بازه زمانی یاد شده و دستیابی به مفهوم نوین میراث فرهنگی بوده است. این پژوهش با رویکرد تفسیری و روش کیفی و با استناد به داده‌های موجود و اسنادی انجام شد. بررسی‌ها نشان داد تا پیش از سده ۱۸ میلادی، چهار ارزش مذهبی، کاربردی، هنری، و تاریخی، در تصمیم‌گیری‌های حفاظتی و مرمتی کارساز بودند. در سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی، با شکل‌گیری عصر روشنگری و پیامدهای آن، سویه‌های علمی، آموزشی، فرهنگی، گواه-مندی، احساسی، چشم‌اندازی، میهنی، و فنی اثر نیز دارای اهمیت شد. در سده‌های ۲۰ و ۲۱ میلادی، گسترش مفهوم ارزشمندی، و ظهور اندیشه پست مدرن ارزش‌های چندگانه دگرگون‌شونده، به ارزشمندی تمامی سویه‌های یک اثر انجامید و افزون بر پیش‌نهاده شدن ارزش‌های تازه و بسیار متعدد، تعریف نوینی از میراث فرهنگی بر پایه ارزشمندی بازشناخت هر یک از وجوه هویت انسانی، پیش‌نهاده شد.

کلیدواژه‌ها: ارزش، اثر تاریخی، میراث فرهنگی، حفاظت، مرمت.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۹/۱۹؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۶/۱۱/۱۵

1. Email: samaninan@art.ac.ir

2. Email: mhojjat@ut.ac.ir

3. Email: adele.mohtasham@yahoo.com نویسنده مسئول

DOI: 10.22067/jhc.v49i1.69283

این مقاله برگرفته از رساله دوره دکتری نویسنده سوم با عنوان «تبیین رویکردهای نظری در حفاظت از اشیاء آیینی مبتنی بر ارزش‌شناسی» به راهنمایی نویسنده اول و مشاوره نویسنده دوم در دانشگاه هنر است.

۱. مقدمه

در رویارویی با یک اثر تاریخی در جایگاه یک حفاظت-مرمتگر، ابتدا حفظ کالبد اثر اهمیت پیدا می-کند، اما کارآزموده حفاظت آگاه است که حفظ مفهوم، بایستگی دیگر اوست. مفهوم جاری در اثر با مجموعه‌ای از ارزش‌ها پیوسته بوده و به اثر ارزش می‌بخشد. حفاظت نمی‌تواند تنها بر پایه شناخت ویژگی‌های کالبدی اثر شکل گیرد، بلکه شناخت ارزش‌های اثر امری ضروری است. ارزش‌های گوناگون در هر اثر تاریخی-فرهنگی داد و ستدی پویا با یکدیگر دارند و بسته به جایگاه، یک ارزش نمود برجسته‌تری می‌یابد. این امر، از مهم‌ترین سنجش‌های تصمیم‌گیری‌های حفاظتی و مرمتی است، و داوری ارزش‌ها، بخشی از گوهر فرآیند حفاظت است. از دیگر سو، دگرگونی در مفهوم ارزش و ارزشمندی در دوره‌های زمانی گوناگون، دگرگونی در نگرش‌های حفاظتی و مرمتی را در درازنای تاریخ در پی داشته است. در ادوار مختلف، شاهد تأثیرگذاری ارزش‌هایی ویژه بر تصمیم‌های حفاظتی و مرمتی هستیم. شناخت این ارزش‌ها بیش از هر چیز، با شناخت و بررسی دیدگاه اندیشمندان و خوانش و واکاوی اسناد و منشورهای جهانی حفاظت و مرمت فراهم می‌گردد. این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش است: در فرآیند حفاظت و مرمت آثار تاریخی-فرهنگی در دوره‌های گوناگون، چه ارزش‌هایی، معیار بوده‌اند؟ این بررسی به تفکیک، سه بازه زمانی پیش از سده ۱۸ میلادی-سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی- و سده‌های ۲۰ و ۲۱ میلادی را در برمی-گیرد. هدف از این پژوهش شناخت و استخراج ارزش‌های کارساز در تصمیم‌گیری‌های حفاظتی و مرمتی آثار تاریخی در سه بازه زمانی یاد شده، با تکیه بر دو منبع بنیادین مبانی نظری حفاظت و مرمت آثار تاریخی-نظرگاه اندیشمندان و کارآزمودگان" و "اسناد و منشورهای جهانی"- است. رویکرد این پژوهش، تفسیری، روش مطالعه و پژوهش، کیفی، روش‌های گردآوری اطلاعات، گردآوری داده‌های موجود و اسنادی، و ابزار پژوهش شامل منابع اطلاعاتی نوشتاری و دیجیتال بوده است. در نهایت، واکاوی داده‌ها از طریق تحلیل محتوا صورت گرفته است.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات صورت گرفته در ارتباط با شناخت ارزش در گستره میراث فرهنگی-تاریخی به شناخت منابعی محدود منتهی می‌گردد. این مطالعات بیش از هر چیز به طبقه‌بندی این ارزش‌ها پرداخته‌اند. مرحوم "آیت-الله‌زاده شیرازی" (آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۸۲ش) ارزش‌ها در آثار تاریخی را معرفی و دسته‌بندی نموده-اند. "فیلدن" و "یوکیلهتو" (فیلدن، یوکیلهتو، ۱۳۸۲ش) به بایستگی شناخت ارزش‌ها در راستای انجام فرآیند حفاظت پرداخته و ابعاد گوناگون این امر را مورد بررسی قرار داده‌اند. "پالسون اسکارین"، پس از

بررسی ارزشها در حفاظت و مرمت آثار تاریخی، مفهومی فراگیر را با نام کوتاه 'H₃UNS' پیش نهاد اسست (PålssonSkarin,2011). "تروسسبی" (Throsby,2000)، "هانربساک" (PålssonSkarin,2011)، "سترفیلد" (Satterfield,2002)، "نژادابراهیمی" و "مقدسیان" (نژادابراهیمی، مقدسیان، ۱۳۹۳ش)، "حناچی" و دیگران (حناچی، آذری، محمودکلیه، ۱۳۹۲ش) در پژوهشهای خود، ارزشهای گوناگون میراث را برشمرده اند. "صالحی" (صالحی، ۱۳۹۳ش) با نگاهی کوتاه به تعریف ارزش به نقش کارساز ارزیابی ارزش در حفاظت و اقدام بر اساس ارزش پرداخته است. هرچند این پژوهشها به انتظام زمانمند ارزشهای مؤثر در تصمیمگیریهای حفاظتی و مرمتی نپرداخته اند، اما طبقه بندیهای پیش نهاد شده، پیش زمینه ای بر این مهم فراهم کرده و آغازگر بررسی خط سیر ارزشها در حفاظت و مرمت هستند.

۳. ارزش: واژه و ماهیت

ارزش را در جایگاه یک واژه، می توان در فرهنگ واژگان بنام و ارجمند پارس و غیرپارسی، بررسی نمود. مطالعه فرهنگ معین (معین، ۱۹۱)، صبا (بهشتی، ذیل «ارزش»)، لغت نامه (دهخدا، ۱۸۱۱)، عمید (عمید، ۹۴)، نظام (داعی الاسلام، ۲۱۷)، آکسفورد (Hornby, 1435)، وبستر (Webster, 854) و واژه نامه مصور میراث (Morris, 1414-1415)، معانی کمابیش همانندی را پیش رو می نهد: بها، قیمت، شایستگی، اعتبار، قدر، اخش، سودمندی، اهمیت، یک اصل یا کیفیت ارزنده یا مطلوب محسوب شده. همسنگ واژه ارزش در زبان انگلیسی واژه ی "Value" است که ریشه آن، "Valior" (ارزیدن) است. ارزشمند خواندن یک چیز یعنی انتساب ارزش به آن، شایسته ی هدف گرداندن و نگره مثبت داشتن به آن؛ ارزش ویژگی است (مک مولین، ۱۷۵). برخی واژه "Value" را برآمده از واژه لاتین "Valare" با بار معنایی اقتصادی می دانند (Shillito, Marle, 14). اما ماهیت ارزش، اندیشه بسیاری را به خود معطوف داشته است. "اسمیت" در زمینه اقتصاد، "لوتزه"، "ریچل"، "تیچه"، و دیگران به ژرف نگری در ارزش پرداخته اند و توجه اندیشمندانی چون "شلر"، "هارتمن"، "هوسرل"، "برنتانو"، و دیگران در سده ۱۹ میلادی، نقش شایانی در شکل گیری جستار پژوهشی نوینی به نام "ارزش شناسی" داشته است (دث، اسکاربوگ،

1. H:History, U:Utility, N:Nomadic, S:Symbolic

۲. شناخت و بررسی عمومی ارزشها از دیدگاه ایجاد و منشأ تکوین، ماهیت، نسبی یا مطلق، عینی یا ذهنی، فطری یا اکتسابی، تاریخی یا غیرتاریخی بودن و مصادیق آن. "Axiology" برآمده از واژه های یونانی "Axios" و آلمانی "Axieologie"، از آمیزه دو واژه یونانی Axios به معنای چیز ارزشمند، مطلوب و شایسته، و Logos به معنای عقل و استدلال کردن به دست آمده است. این واژه امروزه، به معنای "نگره ارزشها"ست

۱۱۴؛ Vandeth, Scarbrough, 22-33). تعریف ارزش در علوم چون فلسفه، جامعه‌شناسی، اخلاق، اقتصاد، انسان‌شناسی و دیگر دانش‌ها، متفاوت است. با بررسی نظرها‌های گوناگون، درمی‌یابیم پیش‌نهادن تعریفی یگانه از ارزش، "کاری ساده و دشوار" است؛ تعاریف موجود علی‌رغم همانندی‌ها، ناهم‌خوانی-هایی نیز دارند. "لاتمن" در پژوهش خود درباره ارزش، نزدیک به ۴۰۰۰ اثر چاپ شده را خواند و در پایان ۱۸۰ تعریف از واژه ارزش پیش‌نهاد (Ibid, 23). در بیانی جامع، ارزش یک مفهوم دریافتی از خواستنی-هاست که در گزینش شیوه، ابزار و هدف‌ها برای کنش‌های یک انسان یا جامعه کارساز است (Kluckhohn, 395). ارزش‌ها از یک سو راهنما و گمارنده‌گرایش‌های اجتماعی و ایدئولوژی‌ها و از سوی دیگر گمارنده رفتار و کنش اجتماعی هستند که در آداب و رسوم، قانون‌ها، باورها، و بنیان‌های سپند و شیوه‌های زندگی روزمره آشکار می‌شوند (Rokeach, 1973; Manstead, Hewstone, 1996). کانت می‌گوید همه آنچه که برای ما خواستنی‌ست، دارای ارزش است (وال، ۶۶۹). در میان اندیشمندان مسلمان، "فارابی" درباره چیستی ارزش به حالتی عقلانی- وجدانی اشاره می‌کند که در وجود آدمی یا گروه‌ها یا جامعه از راه باورها، میل‌ها، رفتارها، و آرمان‌ها (ایمانی و بابائی، ۸۵) بازشناخته می‌شود؛ علامه محمدتقی جعفری ارزش را مطلوبیتی می‌داند که از کارآمد بودن یک حقیقت برمی‌آید (جعفری، ۱۹۷). آگاهی نسبی از ماهیت ارزش مقدمه‌ای را برای پرداختن به مبحث ارزش در آثار تاریخی-فرهنگی می‌پرواند؛ "میراث" و "ارزش" پیوندی جدایی‌ناپذیر دارند، چرا که آنچه ارزشمند است در جایگاه میراث از گذشته به امروز و از امروز به آینده سپرده می‌شود.

۴. بازشناخت ارزش‌ها در حفاظت و مرمت آثار در گذر تاریخ

۱-۴. پیش از سده هجدهم میلادی

ارزشمندی آثار و اشیاء برای آدمی، ریشه در نیازهای نخستین او دارد. وجود "ارزش" بود که انسان نخستین را به ترمیم و نگهداری از یک شیء گرایش داد. او ابزار سنگی را دوباره پرداخت می‌کرد و به کار می‌برد. بنیان ارزشمندی یک شیء برای او کارایی و پاسخ به نیاز بود. اما چون نمی‌توانست حجمی از اشیاء را با خود از این سو به آن سو ببرد، آن‌ها را در غارها یا دهانه غارها رها می‌کرد. با فرارسیدن یک‌جانشینی، دگرگونی-های بنیادین در سویه‌های گوناگون زندگی رخ داد و تغییر در روش تعامل انسان با آثار و اشیاء پیرامونش نمایان شد. هرچند درباره انگیزه‌های نگهداری از آثار و اشیاء در این دوران نمی‌توان دیدگاهی قطعی پیش-

(Ueda, Takenaka, Vancza, Monostori, 6). این واژه نخستین بار توسط "لیپه" در ۱۹۰۲ میلادی و "فون‌هارتمن" در ۱۹۰۸ میلادی به کار رفت (VonHartmann, 1908; Lapie, 1902).

نهاد، ولی از مهم‌ترین انگیزه‌های این کار در هزاره‌های پیش از میلاد- پیش از دوره کلاسیک- علاوه بر ارزش کاربردی اشیاء، باورها و ارزش‌های اعتقادی بود. به گونه‌ای ویژه پاسداری از "تابوت عهد" به دست پیروان حضرت موسی (ع)، نمونه‌ای از حفظ آثار بر جای مانده از گذشتگان با انگیزه باورهای دینی است. اما در دوره کلاسیک (باستان) اندیشه‌های تازه زاده شدند. بنیان‌های اندیشه فلسفی، برای نخستین بار در دوران باستان پدید آمد (خراسانی، ۱). اوج اندیشه و فلسفه این دوره، در سده ۴ پیش از میلاد در یونان، یعنی در زمان سقراط، افلاطون و ارسطو و پیش از آن‌ها هراکلیتوس، تالس و آناکسیماندروس بوده است (Burnet, 3-16). در دوره کلاسیک، زمانی که اثر ارزشمندی دچار آسیب و کاستی می‌شد، بر پایه تعریف آرمان‌گرایانه "افلاطون" از هماهنگی میان اجزاء (واردی، ۲۰-۱۷)، به پیرنگ نخستین خود بازسازی می‌شد (یوکیلهتو، ۲). در این دوره، یکپارچگی فیزیکی اثر بسیار ارجمند بود. آرمان‌گرایی یونایی برای اشیاء نیز زیبایی کامل و بی‌نقص و بازگرداندن اثر به شکل نخستین را می‌پسندید.

در ادامه، با سده‌های میانه یا عصر تاریکی روبرویم. در بازشناسی این دوره، چندسخنی وجود دارد. برخی آن را سراسر دوره دیرپای هزار ساله بین سرنگونی تمدن باستانی و پیدایش نوزایی ایتالیایی می‌دانند؛ برخی آن را به چهارصد سال منتهی به نوزایی (رنسانس)- سده‌های یازدهم تا چهاردهم میلادی- محدود می‌کنند (دمپی‌یر، ۸۳). اما بیشتر اندیشمندان، "قرون مظلمه" را سده‌های ششم تا نهم می‌دانند، چنان‌که "دمپی‌یر" این دیدگاه را برتری داده: سده‌های میانه با همان معنای دیرین یعنی هزار سال میان کم‌سو شدن چراغ دانش باستان و اوج‌گیری دانش نوزایی (همو، ۸۴). فروغی نیز در کتاب سیر حکمت در اروپا همین دیدگاه را برگزیده است (فروغی، ۸۴-۸۵). در فلسفه "قرون وسطی"، خداوند محور همه تعاریف و برتری‌ها بود (رهنورد، ۳۶). دیدگاه رایج در این دوره را از روش برخورد با آثار مذهبی می‌توان دریافت. در این دوران، در تعامل با آثار ارزشمند و نگهداری و ترمیم آن‌ها، آنچه ارجمند بود، برآورده شدن نیازهای مذهبی و نمایش تابناکی، روحانیت و معنویت ملکوت خداوند بود (Koller, 5-9). از دیگر سو کلیساهای اروپایی- صلیبی در سده ۱۱ میلادی بهره‌ای از اشیاء عتیقه، و خاک سپندین داشتند (یوکیلهتو، ۱۳۸۷) که این خود نشان از ارزش‌مندی آثار گذشتگان در نزد آنان داشت. در این دوره ادامه دیدگاه رایج در دوره کلاسیک نمایان است. یکپارچگی فیزیکی اثر، همچنان ارجمند و شکل و نمای اثر بسیار مورد توجه بود (قانونی، حسینی، فرهنگد، ۱۳۹۱). در شکل‌گیری رویکرد رایج در این دوره، بودن فلاسفه‌ای چون "سنت آگوستین" که زیبایی والای هنری را در هماهنگی، نظم و کامل بودن می‌دیدند (Mendelson, 2016)، تأثیرگذار بوده است.

از دیگر سو در این دوران با جنبش "شمایل‌شکنی"^۳ روبرویم. در سده‌های ۸ و ۹ میلادی، به سبب بازداری کلیسا در به تصویر کشیدن مفاهیم سپندین مذهب مسیحیت، بسیاری از آثار و نقاشی‌های مذهبی تخریب شدند (مددپور، ۱۰-۶). بدین‌گونه درمی‌یابیم اندیشه چیره بر تعامل با آثار هنری و تاریخی در این دوران، چه در نگهداری و چه تخریب، متأثر از باورهای مذهبی بوده است.

سده‌های میانه با نخستین نشانه‌های نوزایی یا رنسانس به پایان خود نزدیک شد. رنسانس یک‌باره آغاز نشد و یک‌باره نیز به پایان نرسید. نخستین بارقه‌های شکل‌گیری رنسانس، آغاز جنبش‌های فکری مستقل از دستگاه فکری چیره بر دوران، از میانه سده ۱۳ میلادی است. در این زمان کلیسای کاتولیک فرمانروای بی‌هماورد فرهنگ سده‌های میانه بود. آنچه آشکار است این که نیمه دوم سده ۱۵ و سراسر سده ۱۶ میلادی را می‌توان رنسانس و دوران چیرگی اندیشه رنسانسی دانست (ایلخانی، ۵۶۰). "اصلاح دینی" از مهمترین جنبش‌ها در دوره رنسانس است. برای بسیاری از اروپائیان، ساختار و گاه خشک‌اندیشی کلیسا دیگر نمی‌توانست خواسته‌های دینی‌شان را برآورد (مالرب، ۹۲-۹۱). همچنین دنیاگرایی برخی کشیشان، از دیگر انگیزه‌های مردم برای دوری از کلیسا بود (دمپیر، ۱۷۰). رهایی از بند چیرگی کلیسا، به بالندگی فردیت در جامعه انجامید (راسل، ۶۸۲) و بدین‌گونه رنسانس، به دوره جنبش‌های فکری، علمی، فلسفی و هنری تبدیل شد. در دوره رنسانس، آثار کهنه ارزش‌مند و آذین‌خانه‌ها و کاخ‌ها با اشیاء و تکه‌های تزئینات معماری کهن، باب روز شد. در این دوره پیرو ارزشمند شدن آثار قدیمی، برای نخستین بار "کهنگی" سنجه‌ای برای ارزشمندی شد (Starn, 88). جایگاه کار نمادین فرانچسکو پترارک و گریستن و سرودنش برای ویرانه‌های برجای مانده از باستان را نمی‌توان در شکل‌گیری این نگرش، نادیده گرفت (یوکیلهتو ۱۳۸۷ ش، ۲۳). با ارزشمند شدن کهنگی، توجه به یکپارچگی و بی‌کاستگی اثر کاهش یافت و نخستین گرایش‌ها در پدیدآوری ژنگارهای ساختگی بر سطح آثار نمایان شد.

پس از "رنسانس"، در سده ۱۷ میلادی و در دوره "باروک"، بیش از پیش به لایه کهنگی توجه شد (قانونی، حسینی، فرهمند، ۶۲). بی‌گمان پیدایش کلاسیسیسم و گرایش بسیار کلاسیک‌ها به دیدگاه اندیشمندان و هنرمندان یونان باستان، در ارزش‌مند شدن لایه کهنگی تأثیری به‌سزا داشته است. این توجه به نشانه‌های کهنگی در آثار، زمینه‌ساز مفهوم نوینی در حفاظت و مرمت آثار تاریخی شد که در سده ۱۸ میلادی پدیدار شد.

۲-۴. سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی

در سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی با دگرگونی‌های برآمده از رنسانس و شکل‌گیری آگاهی تاریخی، راهیابی رویکردهای نوین و ارزش‌های تازه در حفاظت و مرمت آثار تاریخی را شاهدیم. سده ۱۸ میلادی هم‌زمان با عصر روشنگری است. روشنگری را می‌توان یک جنبش فلسفی دانست که بر آرمان‌ها و اندیشه‌های اروپای سده ۱۸ میلادی چیره بود. در این دوره، اندیشمندان در پی آزادی، پیشرفت، استدلال و صلح بودند (Zafirovski, 144; Outram, 29). روشنگری با افزایش تجربه‌گرایی، ریزبینی علمی و بازجویی از مذهب بازشناخته می‌شود (Gay, 1996). در این دوره و پس از "انقلاب صنعتی"، ارزش که تا آن زمان مفهومی "مطلق" و خودپایا از انسان پنداشته می‌شد، می‌رفت تا به مفهومی "قائم به ذات" انسان، دگرگون شود (خاتمی، ۱۵). در این دوره علم، پایه و سنجه امور مختلف گردید. بدین‌گونه، در این دوران ویژگی‌های دیگری در آثار تاریخی شناسایی و در جایگاه ارزش‌هایی نوین پیش‌نهاد شدند که بیشتر آن‌ها دستاورد نگاه علمی به آثار تاریخی و هنری بودند.

یکی از این ویژگی‌ها توانایی گواه‌مندی اثر در جایگاه شاهدهی بر رویدادهای گذشته بود. "آبه-هانری گریگوار" (۱۷۵۰-۱۸۳۱م)، کشیش کاتولیک فرانسوی (Pisani, 110-117)، در سده ۱۸ میلادی آشکارا به "ارزش‌های گواه‌مندی" آثار اشاره کرد (Jokilehto, 2002, 80). هرچند دیگرانی نیز بودند که در دوره‌های بعد، ارزش گواه‌مندی را از ارجمندترین ویژگی‌های یک اثر تاریخی دانستند. "موتزیوس" معمار (۱۸۶۱-۱۹۲۷م)، یکی از این افراد بود که همواره بر "ارزش گواه‌مندی" کم‌اهمیت‌ترین سازه‌های تاریخی تأکید می‌کرد و با همین برهان به حفاظت و مراقبت به جای مرمت باور داشت (Ibid, 194).

در ۱۸۳۲ میلادی، "دوکنسی" نگره‌پرداز فرانسوی در زمینه باستان‌شناسی-معماری (BertonciniSabatini, 393)، نخستین کسی بود که به "ارزش‌های آموزشی" در مرمت یادمان‌ها (به‌طور ویژه طاق تیتوس) اشاره نمود (Jokilehto, 2002, 96). همچنین "جورج اسکات" (۱۸۱۱-۱۸۷۸م)، معمار بنام انگلیسی که بازسازی چندین کلیسا و کاتدرال را عهده‌دار بود (Cole, 1)، بر حفظ "ارزش‌های آموزشی" ساختمان‌های تاریخی همه‌ی دوره‌ها، تأکید داشت (یوکیلهتو، ۱۶۲). در ۱۲ دسامبر ۱۸۴۳ میلادی در "پروس" بخش‌نامه‌ای از مرمت‌های انجام شده تا آن زمان برآمد که به کارگزاران دستور می‌داد همه مداخلات در ساختمان‌های تاریخی در گزارش‌هایی ثبت شوند. در این بخش‌نامه تأکید شده بود که آثار تاریخی در بردارنده ارزش‌های "علمی" و "فنی" هستند و هرگز آن‌چه که دارای "ارزش علمی-فنی" تاریخی یا هنری است، نباید نابود شود (Jokilehto, 2002, 125).

در ۲۴ ژانویه ۱۸۴۴ میلادی در فرانسه در بخش‌نامه‌ای با هدف تعیین بنیان‌های حفاظت از یادمان‌های

هنری با مالکیت مردمی، گسترش شناخت ارزش‌های آثار و پرپایی بنیان‌هایی برای حفاظت و مرمت آن‌ها، وظایف کارگزار حفاظت مشخص شد (Ibid, 125).

یکی از ارج‌مندترین مفاهیم در سده ۱۸ میلادی، پاتین بود. جرقه‌های شکل‌گیری مفهوم پاتین، در سده هفده میلادی - زمانی که به لایه کهنگی سطح اثر پرداخته شد - ایجاد شد. با "روشنگری" و "نوکلاسیسیسم"، ارج‌مندی این لایه دوجندان گشت و در سده ۱۸ میلادی، مفهوم "پاتین" شکل گرفت (یوکیلهتو، ۵۳). پاتین، نشانه‌ای از گذر زمان، کهنگی و اصالت یک اثر بود، و کوشش می‌شد که با کم‌ترین خدشه‌ای حفظ شود. هرچند در آغاز پاتین یا زنگار به معنای لایه‌ای بود که در اثر هوازدگی یا کهنه شدن سطح یک شیء، بر آن پدیدار می‌شد (Clifford, 125-127). در دوره‌های بعد با نگرش‌های تازه‌ای در پیوند با این مفهوم روبرو می‌شویم.

یکی از تأثیرگذارترین چهره‌ها در شکل‌گیری اندیشه‌های حفاظتی و مرمتی در سده ۱۹ میلادی، "جان راسکین" بود. راسکین (۱۸۱۹-۱۹۰۰م) منتقد هنری اهل انگلستان، ارزش ساختمان‌ها و اشیاء تاریخی را بهتر از هر کس، پیش از خود، می‌شناخت و بنابراین پایه‌گذار نگره‌های نوین و فلسفه حفاظت شد (Jokilehto, 2002, 178). راسکین مفهوم "ارزش احساسی" را از راه توجه به خانه یک انسان خوب در جایگاه نمادی از زندگی، عشق، اندوه، و خاطره پیش‌نهاد (Ibid, 179). این ارزش‌ها در پیوند با دل‌بستگی‌های انسانی بودند. جایگاه رمانتیسیسم را که در پایان سده ۱۸ میلادی پا گرفت و دارای بن‌مایه‌هایی چون شور، احساس، تخیل، درون‌مایه‌های معنوی و نماد بود (شرت، ۸۸-۸۹)، در شکل‌گیری این اندیشه - ی راسکین نمی‌توان نادیده گرفت. وی همچنین از جمله کسانی بود که در آثارش گرایش ویژه به "ارزش کهنگی" داشت (یوکیلهتو، ۱۹۲). راسکین باور داشت که "سالخوردگی" یک ساختمان، نشانه سربلند بیرون آمدن از "آزمون تاریخ" و زیبایی راستین است (Ruskin, 235). در دیدگاه "راسکین" معماری دارای "نور"، "رنگ" و "ارزشی" بود که تنها در "داغ طلایی گذر زمان" پدیدار می‌شد (Ree, 1-4). بر پایه دیدگاه‌هایش، او از هواداران حفظ پاتین بود.

از دیگر ارزش‌های پیش‌نهاد در این دوره، "ارزش خوش‌منظری" در پیوند با ساختمان‌های تاریخی بود و راسکین از کسانی بود که بسیار بر آن تأکید داشت (Jokilehto, 2002, 178). این ارزش در ساده‌ترین شکل با چشم‌اندازی از طبیعت که از دوردست دیده می‌شد، پیوسته بود (بمانیان و احمدی، ۱۲). در گفتاری فراگیرتر، این مفهوم، شبکه‌ای پیچیده، فرآورده‌ی علم - هنر - تجربه - دانش‌های محیطی -

اجتماعی- انسانی و زمینه‌های فنی- مهندسی است (منصوری، ۶۹). "کامیلو سیت" (۱۸۴۳-۱۹۰۳م)، معمار سرشناس اتریشی نیز از هواداران این ارزش بود. او در زمینه چشم‌اندازهای تاریخی دیدگاه‌هایی نوین داشت (حیبی، مقصودی، ۳۹).

در ۲۷ اوت ۱۸۷۴ میلادی بیانیه‌ای جهانی برای قوانین زمان جنگ نگارش و در آن به "ارزش‌های فرهنگی" آثار تاریخی اشاره شد. این ارزش‌ها در گنجینه‌های هنری از آن همه‌ی مردم و نه تنها یک کشور، دانسته شد (یوکیلهتو، ۳۰۸). "ویناس" فرهنگ را گردآمده‌ای از قانون‌ها، دربردارنده باورها، ارزش‌ها، رفتارها، دانش‌ها، و کارآیی‌های یک گروه از اجتماع می‌داند؛ هر آنچه که مخاطب را به سوی دانش و باورهای چیره بر رفتار یک گروه اجتماعی رهنمون شود، فرهنگی شمرده می‌شود (Munoz-Vinas, 2005). ارزش فرهنگی دارای دامنه گسترده‌ای است که خود، ارزش‌های دیگر را درونش جای داده است. در این دوره با افزایش ارجمندی فرهنگ و تاریخ فرهنگی، به ارزش تاریخی حتی پیش پا افتاده‌ترین بخش‌ها، به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر میراث فرهنگی توجه می‌شود.

در ۱۸۹۳ م، برای نخستین بار زیر نام "ارزش ملی"، به هویت میهنی یک اثر تاریخی آشکارا اشاره شد. "کلمن" تاریخ‌دان هنر و کارگزار حفاظت در "راین‌لند" و مؤلف "جنبش حفاظت در انگلستان"، به "ارزش‌های ملی" اشاره کرد (Jokilehto, 2002, 195). او در طول جنگ جهانی یکم، سرپرست کارگروه هنر در بلژیک و عهده‌دار بازسازی یادمان‌ها بود. برآیند کارهایش در این دوره در کتابی با نام "حفاظت از هنر در زمان جنگ" به چاپ رسید (Nathan, 217). از دیدگاه "پرایس" اثری که دارای نقش مهمی در تاریخ یک کشور باشد، دارای ارزش ملی است (Stanley price, 35). از نظرگاهی گسترده‌تر هر اثری که برای مردم یک کشور- از جنبه‌های گوناگون- اهمیت داشته و یا حس سربلندی ملی را به انگیزه‌های گوناگون در قلب آن‌ها زنده کند، دارای ارزش ملی است. گرایش به ارزش‌های ملی را می‌توان برآمده از موج آزادی‌خواهی و ملی‌گرایی در نیمه نخست سده ۱۹ میلادی (آشوری، ۱۳۸۴) دانست که می‌رفت سراسر قاره اروپا را فراگیرد. در این دوره با وجود پیش‌نهاد شدن ارزش‌هایی تازه در پیوند با آثار تاریخی، ارزش‌های مذهبی- زیبایی‌شناختی- تاریخی و کاربردی همچنان جایگاه خود را دارا بودند؛ چنانکه در ۱۸۹۰ م، "انجمن پشتیبانی از ساختمان‌های تاریخی" در "رم" که "کامیلو بویتو" از اعضای آن بود، نخستین ویژگی یادمان را دارا بودن "ارزش تاریخی" یا "هنری" برشمرد (Jokilehto, 2002, 207). نمونه دیگر، مراعات "فون کواست" در بازسازی نیایشگاه دوره‌ی "اتو" در ۱۸۵۸ م به واسطه ارزش‌های مذهبی بود (Siebigk, 1867; Ibid, 127).

در پایان سده ۱۹ میلادی دوگانگی میان ارزش‌های تاریخی و قدمتی پدیدار شد و ارزش قدمتی

هواداران بیشتری یافت. هواداران ارزش تاریخی دست به پاکسازی سبکی در راستای بازگرداندن شکل نخستین می‌زدند، ولی هواداران ارزش قدمتی با این پاکسازی مخالف بودند (یوکیلهتو، ۲۳۹).

۳-۴. سده‌های ۲۰ و ۲۱ میلادی

در سده ۲۰ میلادی، میراث فکری اندیشمندانی چون "دکارت"، "ویکو"، "هردر"، "کانت"، "وینکلمن"، "هگل"، "مارکس"، "اشپنگلر"، "کنت"، "دیلتای"، و "نیچه" دیدگاه‌ها را به "ارزش" دگرگون ساخت و بر "خودویژگی" و "نسبیت" سفارش نمود. گذار از مفهوم "قدرت مطلق فراطبیعی" به "چیرگی ارزش‌های فرهنگی نسبی" از اندیشه‌های بنیادین "نیچه" بود که به کم‌رنگ شدن ارزش‌های والا و بازآفرینی ارزش‌های تازه انجامید (همو، ۲۳۷). این رخداد، نگرش‌های حفاظتی و مرمتی را دگرگون ساخت. "نیچه" باور داشت که بهترین راه سنجیدن ارزش‌ها، "هنر" است (Nietzsche, 1968). "هایدگر" نیز هنر را ارزش‌مندتر از حقیقت می‌دانست؛ او هنر را هرگونه کنش خلاق بدست انسان دانست و بدین شکل، جستار "فرآیند خلاق" را پیش‌نهاد (Heidegger, 1-72). اشاره به "فرآیند خلاق" پیامدهایی بر حفاظت و مرمت آثار هنری داشت که بعدها "چزار برندی" (Brandi, 1963) بدان پرداخت.

در سده ۲۰ میلادی برای نخستین بار ارزش‌ها در آثار تاریخی، بر پایه‌ی یک دسته‌بندی بسامان ارائه شدند. "آلویس ریگل" (۱۸۵۷-۱۹۰۵م) کارگزار حفاظت در اتریش نخستین تحلیل روش‌مند ارزش‌های میراثی را نوشت. ریگل با اندیشه در مفهوم نوین تاریخ‌مندی، هر دوره و هر فرهنگ را در چارچوب بایستگی‌ها و ویژگی‌هایی می‌نگریست که اثر هنری در آن به هویت خود می‌رسد. وی در کتابش *Modern cult of monuments*، پس از بررسی تاریخی بنیان‌های مرمت، به تعریف ارزش‌ها و مفاهیم پیوسته با حفاظت نوین دست یازید (Riegle, 1903). برخی این کتاب را نخستین و ژرف‌ترین ساختار حفاظت بر پایه ارزش، می‌دانند (Lamprakos, 418).

در ادامه، رویه "ریگل" به دست شاگرد و جانشینش "دوراک" (۱۸۷۴-۱۹۲۱م) تاریخ‌دان هنر و صاحب کتاب پرسش و پاسخ‌های حفاظت (Lehne, 75)، دنبال شد. او از حفاظت‌گران پیش‌رو در اتریش بود و به گسترش حفاظت از طبیعت نیز پرداخت. وی در ارزیابی‌های خود از یادمان‌های تاریخی به "ارزش‌های میهن‌پرستانه" اشاره نمود (Jokilehto, 2002, 178). او به جای واژه ملت، واژه‌های زادگاه، میهن و خانه را به کار برد (Lehne, 77). او اهمیت اقتصادی یادمان‌ها را نیز با اشاره به زبان‌های اقتصادی برآمده از ویرانی ساختمان‌های تاریخی یادآور شد (Dvorak, 23). گرایش او به ارزش‌های میهن‌پرستانه را می‌توان برآمده از جنبش ملی‌گرایی در سده‌ی ۱۹ میلادی در اروپا و جنگ جهانی یکم دانست. این جنگ که در بازه زمانی ۱۹۱۴-۱۹۱۸م رخ داد، به پیش‌نهاد شدن مفهوم تازه‌ای از جغرافیا انجامید. آگاهی روزافزون از تأثیر

فرهنگی تاراج‌های جنگ، و بالندگی جنبش محیطی، مایه دگرگونی در ارزش‌های فرهنگی شد. جنگ‌ها آدمی را بسیار رنج داد؛ جنگ نه تنها "تلفات انسانی"، بلکه تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر تاراج روحی، فیزیکی و فرهنگی کشورها داشت. یکی از برآیندهای چنین جنگی، آسیب بسیار به "شمایل" و نمادهای فرهنگی- فیزیکی و چپاول آثار ارزشمند شخصی و دولتی بود. هرچند در پایان جنگ جهانی یکم، "سازمان ملل" شکل گرفت، اما توجهی به میراث فرهنگی آسیب‌دیده نشد (Goetheus, Mitchell, 339).

در ۱۹۳۱م، هم‌زمان با اوج‌گیری جنبش معماری نوین، گردهم‌آیی آتن (نخستین گردهم‌آیی جهانی معماران و کارشناسان یادمان‌های تاریخی)، تشکیل و منشور آتن نگارش شد (حبیبی، مقصودی، ۱۳۱). پنج بند از این منشور، به میراث تاریخی و ارزش‌های آن پرداخت. در این منشور، از بناهای تاریخی در جایگاه میراثی که دربردارنده‌ی ارزش‌های تاریخی- زیبایی‌شناسی- علمی و هنری هستند، یاد شد (Athen Charter, 1931). در این دوران چهره‌هایی چون "دومنیکو پیکا"، معمار ایتالیایی، و پروفیسور "پانه" (۱۸۹۷-۱۹۸۷م) منتقد و حفاظت‌گر معماری و کارشناس یونسکو، علاوه بر ارزش‌های گواهمندی و تاریخی، بر ارزش‌های زیبایی‌شناسانه و خلاق تأکید کردند (Carbonara, 26؛ یوکیلهتو، ۲۵۰). در ۱۹۳۸م "ریموند لومر"، استاد دانشگاه "لووین" در بلژیک، کتاب مرمت یادمان‌های باستانی را نگاشت. از دیدگاه او ساختمان‌های تاریخی دارای چهار گونه ارزش بودند: ارزش‌های کاربردی، هنری، تاریخی- باستان‌شناسانه، و خوش‌منظر بودن. هدف مرمت باید نگه‌داشت و توان‌بخشی این ارزش‌ها باشد. اگر گمان سست شدن یک ارزش رفت، داوری باید بر پایه "نفع کل" باشد (Jokilehto, 2002, 250).

پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵م)، بنیان‌های مرمت معمارانه بار دیگر پیش‌نهاده شد، این بار با نگرشی تازه که ویرانی‌های جنگ را در برمی‌گرفت و نه سویه‌های تاریخی و علمی را. پس از این جنگ، ساختمان‌های بسیاری در کشورهایی چون فرانسه، انگلستان، آلمان، ایتالیا، لهستان و بسیاری دیگر، ویران شدند. در این زمان به تأثیر جنگ بر فرهنگ و هنر پرداخته شد. در ۱۹۵۴م در همایشی در لاهه، به تأثیرات آسیب فرهنگی برآمده از جنگ جهانی دوم پرداخته و نوشتاری با نام پشتیبانی از دارایی‌های فرهنگی در زمان جنگ ساماندهی شد. این نوشتار برای نخستین بار بیان کرد که همه دارایی‌های فرهنگی "منقول" و "نامنقول" برای همه انسان‌ها ارزشمندند، و آسیب‌های وارده بر میراث فرهنگی هر کشوری آسیب برای همه جهانیان است (Hague convension, 1954). در لهستان برای بازسازی "ورشو" که در جنگ آسیب بسیار دیده بود، همه میهن‌یکرنگ شدند. در ۱۹۷۸م، هسته بازسازی شده "ورشو" با برهان دارا بودن "ارزش برجسته‌ی جهانی"، در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد (Jokilehto, 2002, 285).

در ۱۹۶۱م ارزش‌های منظری و چشم‌اندازی به رسمیت شناخته شدند و در گردهم‌آیی یونسکو، نوشتار صیانت از زیبایی و ویژگی چشم‌اندازها و مکان‌ها تدوین شد. این نوشتار به ارزش فرهنگی چشم‌اندازهای طبیعی نیز اشاره نمود (Recommendation concerning the Safeguarding of Beauty, 1962). تأکید و توجه "جووانونی" (۱۸۷۳-۱۹۴۷م)، بر ارزش‌های خوش‌منظری و شگفت‌زدگی‌های ناگهانی برآمده از ناهمسانی کاخ‌های باشکوه و معماری رواند را، در شکل‌گیری این نوشتار نمی‌توان انکار نمود. چزاره برندی (۱۹۰۶-۱۹۸۸م) نخستین سرپرست بنیاد مرکزی رم، کسی بود که بر ارزش‌های زیبایی-شناسانه بسیار تأکید داشت (Jokilehto, 2002, 237). با گسترش اندیشه‌های وی در این دوره گرایش به ارزش‌های زیبایی‌شناسانه در فرآیند حفاظت و مرمت آثار نیرو گرفت. او در کتابش تئوری مرمت (برندی، ۷۴-۶۹) می‌گوید: واکاوی همه‌سویه یک اثر هنری باید در بردارنده شناخت ارزش‌ها و نیز شناخت مواد باشد. اندیشه بنیادین تئوری مرمت نیز اشاره به ارزش‌ها دارد. نگره برندی، بر پایه ماهیت ویژه یک اثر هنری و نخستینگی ارزش زیبایی‌شناسی در فرآیند مرمت پایه‌ریزی شده است (Hansar, 141). کوشش‌های برندی به همراه "کارلو آرگان" تاریخ‌دان هنر، پایه‌گذار پیشرفت مرمت در جایگاه رشته‌ای خودپا بر مبنای ارزیابی شناختی و انتقادی معنا و ارزش‌های تاریخی-هنری بود (Jokilehto, 2008, 75). در ۱۹۶۴م، منشور ونیز با هدف ویرایش درونمایه منشور آتن نگارش شد (حبیبی، مقصودی، ۱۳۶). این منشور بر اصالت تأکید داشت و سپردن میراث به آیندگان را با حفظ اصالت و پرمایگی، وظیفه‌ای والا می‌دانست. هرچند تعریفی از اصالت در این منشور نیامد، ولی بر حفظ مواد اصلی و مستندسازی تأکید شد (Goetcheus, Mitchell, 339). این منشور تنها به ویژگی‌های ملموس میراث در حفاظت اشاره داشت و به همین دلیل بعدها بسیار نقد شد (Lamprakos, 418). منشور ونیز افزون بر ارزش‌های تاریخی، زیبایی‌شناسانه، و باستان‌شناسانه، به ارزش‌های انسانی ضمن این جمله اشاره نمود: مردم روزبه-روز از هم‌بستگی ارزش‌های انسانی و گرایش به یادمان‌های باستانی در جایگاه میراث مشترک آگاه می‌شوند (Venice charter, 1964).

بیداری دیگری که در دگرگونی ارزش‌ها در میراث نقش داشت، بالندگی جنبش محیطی بود. خشکسالی، سیل‌ها، و دگرگونی‌های آب و هوایی زنگ خطری بود برای به رسمیت شناختن طبیعت و میراث طبیعی در جایگاه میراث بشری. در ۱۹۷۲م، یونسکو در نوشتار حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان، به اهمیت و ارزش میراث طبیعی و فرهنگی-هر دو-اشاره نمود (Convention Concerning the Protection of World Cultural&Natural Heritage, 1972; Goetcheus, Mitchell, 345).

در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۰ م، چند نوشتار و منشور دیگر به ویژه به دست ایکوموس و یونسکو ساماندهی شدند. منشورهای: بورا درباره ارزش مکان‌های تاریخی ۱۹۹۹ م (Burra Charter, 1999) فلورانس درباره باغ‌های تاریخی ۱۹۸۱ م (Florence charter, 1981)، نارا درباره اصالت ۱۹۹۴ م (Operational NARA document, 1994) و راهنمای انجام پیمان‌نامه میراث جهانی ۱۹۹۲ م (Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention, 2008) هر کدام بر محور جستاری ویژه، به ارزش‌های ویژه‌ای در میراث اشاره داشتند، اما در تمام آن‌ها بر حفظ همه‌ی آثار برآمده از کنش‌های انسانی که دارای "ارزش" هستند، تأکید شده بود (جدول ۱). "منشور بورا" توسط "ایکوموس استرالیا" و بر محور مفاهیم فرهنگی، خوانشی بود بر ارزش‌ها. در بند اول این منشور آمده: حفاظت از یک مکان باید همه‌ی جنبه‌های معنایی فرهنگی و طبیعی را بدون پافشاری بر یک ارزش دربرگیرد (Burra Charter, 1999). "مارکوویس" (مارکوویس، ۱۶-۹) در پژوهشی به بررسی منشور بورا پرداخته و آن را راهنمایی برای حفاظت و سامان‌دهی مکان‌های دارای ارزش فرهنگی می‌داند. او با نگاه به منشور بورا ارزش فرهنگی را، ارزش زیبایی‌شناختی، تاریخی، علمی، اجتماعی، و یا معنوی نزد نسل‌های گذشته، حال، و آینده معرفی می‌کند (همو، ۱۰-۹). وجود این گرایش در حفظ دارایی‌هایی که با برهان ارج‌گذاری به هویت فرهنگی‌شان نگهداری می‌شدند، در بسیاری از دیگر نوشتارها دیده می‌شود (PalermoCharter, 1990; TlaxalaDeclaration, 1982; ParisRecommendation, 1989; Oaxaca Declaration, 1993).

گرایش به شناخت ارزش‌ها در آثار تاریخی، در دهه ۸۰ میلادی سده گذشته به شکل‌گیری رویکردی نوین در حفاظت و مرمت آثار انجامید. "رویکرد ارزش-محور" که از ۱۹۸۰م پا گرفت، کارشناسان حفاظت را به درگیر شدن بیشتر با جهان پیرامون و بیرون از فضای آموزشی و سازمانی و شناخت دیگر ارزش‌ها، گفته‌ها، و دیدگاه‌ها در عمل، انگیزانند (ن.ک. Trigger, 1989; Hodder, 1991; Demas, 2002). کوشش در گرایش دادن مفهوم میراث جهانی به سوی جوامع و فرهنگ‌های بومی، نمونه‌ای از رویکرد ارزش‌محور است. برخی کارآزمودگان، رویکرد ارزش‌محور را شکل گرفته بر پایه منشور بورا، و گسترش‌ها و مورد حمایت قرار گرفتنش را، بیش از هر چیز متأثر از مجموعه‌پروژه‌های انستیتیوی حفاظتی گتی می‌دانند (DelaTorre, 1997; Avrami, Mason, DelaTorre, 2000; Teutonico, Palumbo, 2002; DelaTorre, 2002; Agnew, Demas, 2002; DelaTorre, MacLean, Mason, Myers, 2005).

هدف حفاظت با رویکرد ارزش - محور، حفظ و پشتیبانی ارزش‌های نهاده شده در میراث بدست "ذینفعان"، در کنار کالبد آن است، می‌کوشد همه گستره "ذینفعان" را از راه فرآیند حفاظت درگیر کند، و ناسازی‌هایی را که به شکلی گریزناپذیر میان آن‌ها ایجاد می‌شود، با آسودگی خاطر دادن به "ذینفعان"، چاره‌اندیشی کند (Poulios, 2014; Demas, 2002, DelaTorre, MacLean, Mason, Myers, 2005).

گسترده‌گی مفهوم ارزشمندی در میراث فرهنگی، در سال ۲۰۰۰م با نگارش منشور "کراکو" به اوج رسید. منشور کراکو یک اثر تاریخی را باشنده‌ای می‌خواند که حامل "ارزش‌ها" و "یادها" است (Cristinelli, 182). در این منشور آمده است همه کنش‌های انسانی و فرآورده‌های آن که در آن و با آن، انسان "هویت" خود را می‌شناسد، بخشی از میراث بوده و ارزشمندند (Vecco, 323). نوشتار "صیانت از میراث فرهنگی ناملموس"، ۲۰۰۳م، این گسترده‌گی در مفهوم ارزشمندی در میراث را استوار نمود. بر پایه تعاریف آمده در این نوشتار، هرگونه رفتار، نماد، گزاره، دانش، مهارت، و نیز ابزار، اشیاء و آثار هنری و صنایع دستی مرتبط، و فضاهای فرهنگی پیوسته با آن‌ها - که جوامع، گروه‌ها و گاه، فرد- آن را میراث خود می‌دانند، ارزش مند بوده و بخشی از میراث فرهنگی ناملموس به شمار می‌آیند (Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage, 2003).

در ۲۰۰۴م در نوشتار "نکیتاش"، علاوه بر گفتمان گوناگونی فرهنگی و زیستی، بر ارزش شیوه‌های سنتی و سنت‌های زنده، تأکید شد (International Natchitoches Declaration, 2004). همچنین در ۲۰۱۱م، ایکوموس در نوشتار "چشم‌انداز شهری تاریخی"، افزون بر اشاره به ارزش‌های شهری، و لایه‌بندی ارزش‌های فرهنگی و طبیعی، به ارجمندی پیشرفت پایدار و رایزنی با "ذینفعان"، در حفاظت از این ارزش‌ها پرداخت (Recommendation on the Historic Urban Landscape, 2011).

در کنار نوشتارها و منشورهای جهانی، از میانه سده ۲۰ میلادی، مطالعه ارزش در آثار تاریخی استوارتر از گذشته بدست اندیشمندان حفاظت و مرمت، آغاز، و تا دهه دوم سده ۲۱ میلادی، به بیان دیدگاه‌های گوناگون از ارزش‌ها در آثار تاریخی انجامید (جدول ۱). نگارش و تصویب نوشتارهای گوناگون، و مطالعات اندیشمندان در زمینه‌ی ارزش در آثار تاریخی و حفاظت و مرمت آن‌ها، نشان‌دهنده اهمیت بسیار یافتن این مبحث در سده ۲۰ میلادی است.

۵. جمع‌بندی

به رسمیت شناختن جایگاه ارزش‌ها در حفاظت از میراث فرهنگی، جستاری کمابیش تازه است. بررسی و مطالعه مفهوم ارزش‌مندی در آثار تاریخی در دوره‌های زمانی گوناگون نشان می‌دهد که دیدگاه‌های فلسفی، مکاتب فکری و رویدادهای هر دوره، با تأثیر بر مفهوم ارزش‌مندی، ارزش‌های پیش‌نهادده در آثار تاریخی و میراث فرهنگی را دگرگون ساخته و شناخت ارزش‌های تازه را در آثار در پی داشته‌اند. در دوره‌های آغازین تا عصر کلاسیک، ارزش‌مندی اثر، برآمده از دو ویژگی بنیادین کاربردی و اعتقادی بوده است. با آغاز عصر کلاسیک و اهمیت یافتن تناسب و تکامل اثر، توجه به ارزش‌های زیبایی‌شناختی در حفظ آثار گذشتگان مطرح شد. با ظهور رنسانس و فزونی یافتن اشتیاق به احیاء هنر از دست رفته کلاسیک، ارزش تاریخی به ارزش‌های پیشین افزوده شد. در آغاز سده ۱۸ میلادی، همگام با دگرگونی‌های فلسفی و اجتماعی، متأثر از دوره روشنگری و آغاز جنبش‌های علم‌محور، و گرایش به ویژگی‌ها و چگونگی‌های درونی انسان، سویه‌های ارزشی دیگری در آثار تاریخی شناسایی شدند، و افزون بر چهار ارزش پیشین، ارزش‌های علمی، احساسی، آموزشی، فرهنگی، میهنی، گواه‌مندی، فنی، چشم‌اندازی، و کهنگی، به آثار منسوب شدند. در ادامه و در سده ۲۰ میلادی، شاهد روزگاری پربار در مطالعه و بررسی سویه‌های ارزش‌مندی آثار تاریخی هستیم. در این سده با وجود میراث اندیشه‌ای و دیدگاه‌های فیلسوفان و اندیشمندان نوگرا با نگاهی تازه به ارزش، ارزش‌های نوین و گوناگونی در آثار تاریخی شناسایی شدند. انتساب ارزش‌های متعدد به آثار بر جای مانده از گذشتگان در سده بیست میلادی، متأثر از رویدادها و جنبش‌های اندیشه‌ای و بالیدن دانش در سویه‌های گوناگون در سده ۲۰ و گاه سده ۱۹ میلادی است. پیدایش علم ارزش‌شناسی یا "اکسیولوژی"، که شکل‌گیری آن ریشه در قرن ۱۹ میلادی دارد، نقش مهمی در این زمینه داشته است. در سده ۲۰ میلادی، پیش‌نهادده شدن طبقه‌بندی‌های گوناگون ارزش بدست اندیشمندان را شاهدیم. از ارج‌مندترین آن‌ها می‌توان به دسته‌بندی هارتمن (Hartmann, 2011)، شلر (Scheler, 1973)، شوارتز (Schwartz, Bilsky, 1987)، و اورت (Everett, 1918)، اشاره نمود. تأثیر این علم در گستره‌های گوناگون دانش بوده و امروز می‌توان در رشته‌های جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، مطالعات فرهنگی و اقتصاد، مطالعات و تحقیقات درباره‌ی ارزش و جستارهای وابسته به آن را یافت (خاتمی، ۳۲-۳۱). همچنین تأثیر این علم، در مطالعه علمی و طبقه‌بندی ارزش‌ها در آثار تاریخی را، به

ویژه از اوایل سده ۲۰ میلادی، نمی‌توان انکار نمود. در زمینه حفاظت از آثار تاریخی، تا پیش از سده ۲۰ میلادی، طبقه‌بندی اصولی و گونه‌شناسانه از ارزش‌ها در آثار تاریخی ارائه نشده بود؛ حال‌آنکه در آغاز این سده، نخستین طبقه‌بندی علمی، نگاشته شده و جامع (بر پایه سنج‌های زمان خود) از ارزش در آثار تاریخی را به دست "ریگل" شاهدیم. پس از آن، با دگرگونی‌های تازه در مفهوم ارزشمندی و پدیدار شدن پست‌مدرنیسم روبرویم. اندیشه پست‌مدرن ارزش‌های چندگانه‌ی دگرگون‌شونده، بر روند شناخت ارزش‌ها در آثار تاریخی و مفهوم ارزشمندی یک اثر، بسیار تأثیرگذار بوده است. پست‌مدرن به "کثرت-گرایی" و ارج نهادن به ارزش‌های فرهنگی دیگران باورمند بوده و با "بی‌چون و چرایی" ارزش‌ها، به مبارزه برخاست. پست‌مدرنیسم در پی بی‌شماری ارزش‌ها و دارای دستگاه ارزشی ویژه خود و باورهای نوین درباره طبیعت، علم، فن‌آوری، سلامتی، قدرت، مسئولیت فردی و مصرف‌گرایی است. برخی، آن‌ها را ارزش‌های پست‌مدرنی می‌نامند (Bakx, 20-38). برآیند راهیابی چنین نگرشی به گستره‌ی حفاظت و مرمت آثار، یک تعریف همیشه‌رو به گسترش از یادمان (اثر تاریخی) است (Lamprakos, 418). اگر تا پیش از سده ۱۸ میلادی، "بی‌کم و کاستی" کالبدی و ظاهری اثر-که از آن با نام "تمامیت فیزیکی" یاد می‌شود- با برهان‌های اعتقادی، کاربردی، زیبایی‌شناختی و تاریخی، اهمیت بسیار داشت، در پایان سده‌ی ۱۹ میلادی گرایش به مفاهیم جاری در اثر به آهستگی جایگاه خود را به دست آورد؛ در سده‌ی ۲۰ میلادی گرایش به شناخت مفاهیم اثر، به شناخت ارزش‌های بسیار گوناگون در آثار انجامید و در آغاز سده ۲۱ میلادی، دامنه ارزش‌ها تا جایی گسترش یافت که همه‌ی کنش‌های انسانی که در آن و با آن، انسان هویت خود را می‌شناسد، ارزشمند شناخته شد (نک. منشور کراکو) و به مفهومی گسترده با نام میراث فرهنگی پیوست. این گستردگی ارزش‌های منسوب به آثار، مفاهیم پایه‌ای در حفاظت و مرمت را نیز دگرگون کرد. در سده ۱۸ میلادی، پاتین لایه‌ای بود که در اثر هوازدگی یا کهنه شدن رویه یک شیء، بر آن پدیدار می‌شد؛ در سده ۲۱ میلادی پاتین هر آن چیزی است که برای یک شیء در درازای زمان رخ می‌دهد (Clifford, 125-127). پاتین در آغاز تنها با کالبد اثر پیوسته بود، اما امروز "پاتین" تنها یک ویژگی فیزیکی در آثار نیست، بلکه افزاری برای دریافت مفهوم ارزشمندی اثری است که دارای ارزش و فرآیند تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی است. کاوش در سیر شناخت ارزش‌ها در آثار تاریخی نشان داد این ارزش‌ها از عینی به ذهنی، و از ملموس به ناملموس در حرکتند. سیر این پیشرفت و گسترش ارزش‌ها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: ارزش‌های شناسایی شده در آثار تاریخی- فرهنگی به تفکیک دوره‌های زمانی

۱	ارزش‌های پیشین نهاده شده بدست اندیشمندان و نویسندگان جهانی در زمینه‌ی حفاظت و مرمت		۲ تاریخچه	
	اعتقادی	کاربردی		
۸	اعتقادی زیبایی‌شناختی	کاربردی	۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳	
۷	اعتقادی زیبایی‌شناختی تاریخی	کاربردی	۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳	
۶	اعتقادی زیبایی‌شناختی (هنری) اسنادی احساسی تاریخی	کاربردی علمی	۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳	
۵	اعتقادی زیبایی‌شناختی (هنری) اسنادی احساسی تاریخی	کاربردی علمی	۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳	
	سیاسی	اجتماعی	تاریخی	۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳
	جغرافیایی	تاریخی	تاریخی	
	فرهنگی	تاریخی	تاریخی	
	تاریخی	تاریخی	تاریخی	
	تاریخی	تاریخی	تاریخی	
	تاریخی	تاریخی	تاریخی	
	تاریخی	تاریخی	تاریخی	
	تاریخی	تاریخی	تاریخی	
	تاریخی	تاریخی	تاریخی	
	تاریخی	تاریخی	تاریخی	
۱۹۰۰-۱۹۶۰	تاریخی	تاریخی	تاریخی	۱۹۰۰-۱۹۶۰
۱۹۶۰-۱۹۸۰	تاریخی	تاریخی	تاریخی	۱۹۶۰-۱۹۸۰
۱۹۸۰-۲۰۰۰	تاریخی	تاریخی	تاریخی	۱۹۸۰-۲۰۰۰
۲۰۰۰-۲۰۱۳	تاریخی	تاریخی	تاریخی	۲۰۰۰-۲۰۱۳

نتیجه‌گیری

ارزش مفهومی بنیادین در حفاظت و مرمت آثار فرهنگی - تاریخی و ایجادکننده معنا در کالبد میراث است. در این مقاله به بررسی سیر تاریخی ارزش‌های مؤثر در تصمیم‌گیری‌های حفاظتی و مرمتی بر اساس واکاوی دیدگاه اندیشمندان و نظرگاه اسناد جهانی پرداخته شد. مبتنی بر مطالعه انجام شده ارزش‌های شناسایی شده در حفاظت و مرمت آثار تاریخی در پنج بازه زمانی ارائه شدند. در دوره اول، نیازهای بنیادین انسان - کاربردی و اعتقادی - دلیل حفظ و نگهداری اشیاء و آثار بود. در دوره دوم با شکل‌گیری بنیان‌های اندیشه‌ی فلسفی، و اهمیت یافتن تناسب و بی‌نقص بودن، زیبایی به معیاری مهم و مؤثر در نحوه تعامل انسان با آثار با هدف حفظ و نگهداری تبدیل شد. در دوره سوم، با آگاهی تاریخی بشر و پی بردن او به مفهوم تاریخ و ارزش آنچه در گذشته رخ داده است، و اشتیاق به احیاء هنر از دست رفته عصر کلاسیک، ارزش تاریخی در آثار شناسایی شد. در دوره چهارم، آغاز عصر روشنگری و آگاهی علمی بشر، شکل‌گیری رمانتیسم و ارزش یافتن مفاهیم و احساسات فردی، مهم‌ترین عوامل در ورود ارزش‌های تازه به این عرصه بودند. در این دوران آغاز حرکت رو به گسترش شناخت ارزش‌های متعدد در آثار و تغییرات مهم در نگرش به آثار را شاهدیم. دوره پنجم پویاترین و پربارترین دوره در شناخت جایگاه ارزش در حفاظت و مرمت آثار است. جنگ‌های جهانی و آگاهی بشر از ارزش جهانی آثار، شکل‌گیری علم ارزش‌شناسی، جنبش‌های محیطی و طبیعی، و ظهور تعریف پست مدرن از ارزش‌های چندگانه دگرگون‌شونده، به گسترش مفهوم ارزش و شناخت ارزش‌های متعدد و ارزشمند دانستن تمام جنبه‌های یک اثر بر مبنای ارزش‌مندی و شناخت هر یک از ابعاد هویت انسانی، منجر شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد با گسترش مفهوم میراث فرهنگی، هر آنچه در گنجینه تجربه انسانی قرار می‌گیرد، شایستگی حفاظت را داراست، و با شکل‌گیری ارزش‌های نوین، ارزش‌های قدیمی‌تر در عرصه‌ی حفاظت و مرمت، در حال به چالش کشیده شده‌اند، حتی ارزش‌هایی که به "مبانی نظری" پیوسته‌اند. نگاه یک بعدی انسان به آثار و اشیاء پیرامونش به صرف برطرف کردن نیازهای روزمره، در گذر زمان تبدیل به نگاهی چند بعدی با جنبه‌های رو به فزونی شده و گفتمان کلیدی در حفاظت، مسأله‌ی ارزش‌هاست. بر اساس آنچه در منشور کراکو آمد، هیچ یک از ارزش‌های یک اثر که برآمده از معانی و مفاهیم آن هستند، نباید مورد بی‌توجهی یا کم توجهی قرار گیرند. ارزش‌های تازه زاده می‌شوند و کارآزموده دانش حفاظت و مرمت با چالش‌های بزرگی روبروست، چرا که بایسته به دست‌یابی به شناختی جامع از ارزش‌های آثار است. شناخت ارزش و درک سیر تاریخی جایگاه

آن در حفاظت و مرمت، مبنایی برای درک فلسفه حفاظت و توسعه نگاه ارزش محور در حفاظت و مرمت آثار است و نتایج این پژوهش می تواند بنیانی برای مطالعه و ادراک فلسفه حفاظت و مرمت در دوره های زمانی گوناگون باشد.

کتابشناسی

- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، مروارید، تهران، ۱۳۸۴ ش.
- آیت الله زاده شیرازی، باقر، «حفاظت بناهای تاریخی»، هفت شهر، ش ۱۳، سال ۱۳۸۲، ۴، ۱۱-۶.
- ایلخانی، محمد، تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس، سمت، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- برندی، چزاره، تئوری مرمت، پیروز حناچی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۸ ش.
- بمانیان، محمدرضا، فریال احمدی، مبنای طراحی منظر طبیعی در مناطق حفاظت شده، فرهنگ پارس، تهران، ۱۳۸۹ ش.
- بهشتی، محمد، فرهنگ صبا، صبا، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- جعفری، محمدتقی، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه محمدتقی جعفری، تهران، ۱۳۸۵ ش.
- حبیبی، محسن، ملیحه مقصودی، مرمت شهری، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۸ ش.
- حجت، مهدی، میراث فرهنگی در ایران: سیاست ها برای یک کشور اسلامی، سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- حناچی، پیروز، عباس آذری، سعید محمودکلایه، «مدیریت ارزش گذاری در بافت های تاریخی»، مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، ش ۱۲، ۱۳۹۲، ۳۷-۴۴.
- خاتمی، محمود، مدخل فلسفه ارزش، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۹۵ ش.
- خراسانی، شرف الدین، نخستین فیلسوفان یونان، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۶ ش.
- داعی الاسلام، سید محمدعلی، فرهنگ نظام، دانش، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- دث، ژان ون، الینور اسکاربروگ، «چیستی ارزش»، اصغر افتخاری، قیسات، ش ۱۳، ۱۳۷۸، ۱۱۰-۱۲۵.
- دمپیر، ویلیام سسیل، تاریخ علم، عبدالحسین آذرنگ، سمت، تهران، ۱۳۹۱ ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۲۸ ش.
- رهنورد، زهرا، «زیبایی شناسی مسیحی در قرون وسطی و ارتباط آن با زیبایی شناسی اسلامی»، سخن سمت، ش ۸، ۱۳۸۱ ش.
- راسل، برتراند، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندری، کتاب پرواز، تهران، ۱۳۷۳ ش.

شرت، ایون، فلسفه علوم اجتماعی قاره‌ای: هرمنوتیک، تبارشناسی و نظریه انتقادی از یونان باستان، ترجمه هادی جلیلی، نی، تهران، ۱۳۸۷ ش.

صالحی سورمقی، نوید، «اهمیت سنجش ارزش‌ها در بازآفرینی ارزش مینا»، سروستان: ش ۶، ۱۳۹۳ ش، ۳۲-۲۷. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، راه رشد، تهران، ۱۳۸۹ ش.

فروغی، محمدعلی، سیر حکمت در اروپا، زوار، تهران، ۱۳۴۴ ش.

فیلدن، برنارد، یوکا یوکیلهتو، «ارزش‌گذاری به منظور حفاظت»، ترجمه بهرام معلمی، هفت شهر، سال چهارم، ۱۳۸۲، ۱۳ ش-۱۷.

قانونی، محسن، مهدی حسینی، حمید فرهمندبروجنی، زیباشناخت مرمت نقاشی، گلداسته، اصفهان، ۱۳۹۱ ش. مارکوویس، پیتر، «راهبردهای حفاظت و مرمت با رویکردی به منشور بورا»، ترجمه احمد امین‌پور، هفت شهر، سال چهارم، ۱۳۸۲ ش، ۱۲ و ۱۶، ۱۳-۹.

مالرب، میشل، انسان و ادیان، مهران توکلی، نی، تهران، ۱۳۸۱ ش.

مددپور، محمد، «حکمت معنوی شمالی‌های مقدس، مبنای مسیحی و اسلامی شمالی‌شکنی»، کتاب ماه هنر، مهر و آبان، ۱۳۸۶، ۶-۱۰.

معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱ ش.

مک‌مولین، ارنان، «ارزش در علم»، ترجمه حسین قلی‌پور، حوزه و دانشگاه، سال سیزدهم، ش ۱۳۸۶، ۵۰ ش، ۱۹۱-۱۷۵.

نژادابراهیمی، احد، مریم مقدسیان، «شناخت متغیرهای وابسته به ارزش در بافت‌های تاریخی-فرهنگی»، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد، ۱۳۹۳ ش.

واردی، زرین، «زیبایی‌شناسی شیخ‌الرئیس»، اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۵، ۱۳۸۷ ش، ۲۰-۱۷.

وال، ژان، بحث در مابعدالطبیعه، عزت‌الله فولادوند، طرح نو، تهران، ۱۳۸۰ ش.

یوکیلهتو، یوکا، تاریخ حفاظت معماری، محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری، روزنه، تهران، ۱۳۸۷ ش.

Athen Charter for the Restoration of Historic Monuments, 1931, [http://www.icomos.org/en/charters-and-texts/179-articles-en-](http://www.icomos.org/en/charters-and-texts/179-articles-en-français/ressources/charters-and-standards/167-the-athens-charter-for-the-restoration-of-historic-monuments)

français/ressources/charters-and-standards/167-the-athens-charter-for-the-restoration-of-historic-monuments.

Agnew, Neville, Martha Demas, *Principles for the conservation of heritage sites in china*, Getty, Los angeles, 2002.

Avrami, Erica, Randall Mason, Marta DelaTorre, *Values&Heritage Conservation*, Getty,

Los Angeles, 2000.

Bakx, K., «The eclipse of folkmedicine in western society», *Sociology of health&illness*, 13, 1991, 20-38.

BertonciniSabatini, Paolo, Antoine Chrysostôme Quatremère-de-Quincy (1755-1849) & the Rediscovery of Polychromy in Grecian Architecture: Colour Techniques & Archaeological Research, 2017, <http://www.arct.cam.ac.uk/Downloads/ichs/vol-1-393-408-bertoncini.pdf>.

Burnet, John, *Greek Philosophy: Thales to Plato*, 3rd ed, A&C Black Ltd, London, 1920.

Carbonara, Giovanni, *La reintegrazione dell immagine. Problemi di restauro dei monumenti*, Bulzoni, Roma, 1976.

Clifford, Helen, «The Problem of Patina: Thoughts on Changing Attitudes to Old & New Things», *Conservation, Principles, Dilemmas & Uncomfortable Truths*, Alison Richmond & Alison Bracker, Butterworth-Heinemann-Elsevier-Victoria & Albert Museum, London, 2009.

Cole, David, *The Work of Gilbert Scott*, Architectural Press, London, 1980.

Convention Concerning the Protection of the World Cultural & Natural Heritage, 1972, <http://whc.unesco.org/archive/convention-en.pdf>.

Convention for the SAFEGUARDING OF THE INTANGIBLE CULTURAL HERITAGE 2003, 2016

edition, Unesco, <http://unesdoc.unesco.org/images//0013/001325/132540e.pdf>.

Cristinelli, G., *The Krakow Charter, Principles for the conservation & restoration of built heritage*, Marsilio, 2000, Venice.

Dela Torre, Marta, *Assessing the Values of Cultural Heritage*, Getty, Los Angeles, 2002.

-----, *The Conservation of Archaeological Sites in the Mediterranean Region*, Getty, Los Angeles, 1997.

-----, Margaret G. MacLean, Randall Mason, David Myers, *Heritage Values in Site Management*, Getty, Los Angeles, 2005.

Demas, M., «Planning for Conservation & Management of Archaeological Sites»,

J.M.Teutonico&G.Palumbo, *Management Planning for Archaeological Sites:An International Workshop Organized by Getty Institute&Loyola Marymount University*, May 2000, Getty, Los Angeles, 27-54, 2002.

Dvorak, Max, *Katechismus der Denkmalpflege*, Wien, 1916.

Dümcke, Cornelia, Mikhail Gnedovsky, «The Social&Economic Value of Cultural Heritage: literature review», *EENC Paper, European Expert Network on Culture*, 2013, [Http://www.eenc.info/wp-content/uploads/2013/08/CDümcke-MGnedovsky-Cultural-Heritage-Literature-Review-July-2013.pdf](http://www.eenc.info/wp-content/uploads/2013/08/CDümcke-MGnedovsky-Cultural-Heritage-Literature-Review-July-2013.pdf)(AccessDate:2015/05/23).

English Heritage, 2008, *CONSERVATION PRINCIPLES, POLICIES & GUIDANCE FOR THE SUSTAINABLE MANAGEMENT OF THE HISTORIC ENVIRONMENT*.

Everett, Walter, *Moral values: A study in the principles of conduct*. Henry Holt & Co, New York, 1918.

Feilden, Bernard, *Conservation of Historic Buildings*, Architectural Press, London, 2003.

Gay, Peter, *The Enlightenment: An Interpretation*, W.W.Norton & Company, 1996.

GOETCHEUS, CARI, NORA MITCHELL, «THE VENICE CHARTER & CULTURAL LANDSCAPES, Evolution of Heritage Concepts & Conservation», *Change Over Time*, 4, 2014, 2.

Hague convention, Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict, 1954, <http://unesdoc.unesco.org/images/0008/000824/082464mb.pdf>.

Hansar, Lilian, «The Lacuna, an Empty Space in Urban Construction: Cesare Brandi's Restoration Theory in the Integral Preservation», *In book: PLACE & LOCATION Studies in Environmental Aesthetics & Semiotics*, Virve Sarapik, Eva Näripea, Jaak Tomberg, The Research Group of Cultural & Literary Theory, Estonian Literary Museum, pp 139-151, 2011.

Hartmann, R, *The Structure of Value: Foundations of Scientific Axiology*, Wipf & Stock, 2011.

Heidegger, M., *Der Ursprung des Kunstwerkes*, Heidegger, 1-72, 1980.

Hodder, I, «Postprocessual Archaeology & the Current Debate», R. Preucel,

Processual&Post-processual Archaeologies:Multiple Ways of Knowing the Past,Carbondale:Center for Archaeological Investigations,10,1991,30-41.

Hornby, A.S, *Oxford Advanced Learner Dictionary*, Oxford University press, UK, 2005.

Jokilehto, Jukka, *A History of Architectural Conservation*, Butterworth-Heinemann, Woburn, 2002.

-----,«Conservation Principles in the International Context», *In book: Conservation, Principles, Dilemmas&Uncomfortable Truths*, Alison Richmond&Alison Bracker, Butterworth-Heinemann, UK, 2008.

Kluckhohn, C, *Values&value orientation in the theory of action: An exloration in definition&classification*, Harvard university press, 1951.

Koller, Manfered , «Surface cleaning&conservation», *GettyNewsletter*, Los Angeles, 15, 3, 2000, 5-9.

LAMPRAKOS,MICHELE,«RIEGL'S "MODERN CULT OF MONUMENTS"&THE PROBLEM OF VALUE»,*Change over the time*,4,2,2014,418-435.

Lehne, Andreas , «George Dehio, Alois Riegl, Max Dvorak-a threshold in theory development», *Consevation&preservation:Ineraction between theory&practice*, Edizioni Polistampa,Firenze,2008.

Manstead, Antony S.R., Miles Hewstone, *The Blackwell Encyclopedia of Social Psychology*, Blackwell Publishers, 1996.

Mendelson, Michael , «Saint Augustine», *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, 1996, <https://plato.stanford.edu/entries/augustine/>.(AccessDate:2016/11/22).

Morris, William, *The heritage illustrated dictionary of the english language*, American heritage publishing, NewYork, 1973, 1414-1415.

Munoz-Vinas, Salvador, *Contemporary Theory of Conservation*, Routledge, UK, 2005.

Natchitoches Declaration on Heritage Landscapes, 2004, <http://www.usicomos.org/about/publications/previous-publications/natchitoches-declaration-on-heritage-landscapes>.

Nathan,Walter.L., «Paul Clemen (1866-1947)», *College Art Journal*, 7,3, 1948, 216-218.

Lapie, Paul, *Logique de la volonté*, F. Alcan, Paris, 1902.

Nietzsche, Friedrich, *The Will to Power*, Walter Kaufmann, R.J., Hollingdale, Vintage, 1968.

Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention, , UNESCO World Heritage Centre, 2008, <http://whc.unesco.org/archive/opguide08-en.pdf>(AccessDate:2015/07/07).

Outram, Dorinda, *Panorama of the Enlightenment*, Getty, New York, 2006.

PålssonSkarin, Ingela, *A Finance Model for the Built Cultural Heritage-Proposals for improvements of future Heritage Economics*, Lund university, Sweden, 2011.

Pisani, Paul, «Répertoire biographique de l'épiscopat constitutionnel (1791-1802)», Paris :A.Picard et fils, 1907, 110-117.

Poulios, Ioannis, *The past in the present. A Living Heritage Approach*, Ubiquity press Meteora, Greece, London, 2014.

Stanley-Price, Nicholas , «The Reconstruction of Ruins: Principles&Practice», *Conservation, Principles, Dilemmas&Uncomfortable Truths*, Alison Richmond&Alison Bracker, Butterworth-Heinemann-Elsevier-Victoria&Albert Museum, London, 2009.

Recommendation concerning the Safeguarding of Beauty&Character of Landscapes&Sites, , Paris, 1962, <http://unesdoc.unesco.org/images/0011/001145/114582e.pdf>.

Recommendation on the Historic Urban Landscape 2011, UNESCO, Accessed April 13, 2014, www.whc.unesco.org/en/activities/638.

Ree, Jonathan, «Auto-Icons», *Conservation, Principles, Dilemmas&Uncomfortable Truths*, Alison Richmond&Alison Bracker, Butterworth-Heinemann-Elsevier-Victoria&Albert Museum, London, 2009.

Riegle, A, *Der moderne Denkmalkultus, sein Wesen, seine Entstehung*, W. Braumüller, Wien und Leipzig, 1903.

Rokeach, Milton, *The nature of human values*, Free Press, 1973.

Ruskin, John, «The Lamp of Memory, The Seven Lamps of Architecture», *The Works of John Ruskin*, E.T. Cook&Alexander Wedderburn, 8, 39, London: George

Allen, 1903, 221-247.

Satterfield, Theresa, «Numbness & Sensitivity in the Elicitation of Environmental Values», *Assessing the Values of Cultural Heritage*, Marta Dela Torre, Getty, 2002.

Avrami, Erica, Randall Mason, Marta Dela Torre, *Values & Heritage Conservation*, Getty, Los Angeles, 2000.

Scheler, Max, *Formalism in Ethics & Non-formal Ethics of Values*, Northwestern University Press, 1973.

Schwartz, Shalom, Wolfgang Bilsky, «Toward A Universal Psychological Structure of Human Values», *Journal of Personality & Social Psychology*, 53(3), 1987, 550-562.

Shillito M. Larry, David J. DeMarle, *Value: Its Measurement, Design, and Management*, John Wiley & Sons, 1992.

Siebigk, F., *Das Herzogtum Anhalt*, Dessau, 1867.

Starn, Randolph, *Three ages of patina in painting*, University of California press, 2002.

Teutonico, Jeanne Marie, Gaetano Palumbo, *Management Planning for Archaeological Sites*, Getty, Los Angeles, 2002.

Burra Charter, *The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance*, Deakin University, Australia, 1999.

FLORENCE CHARTER, HISTORIC GARDENS, 1981,
https://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Charters/gardens_e.pdf.

NARA document on authenticity, 1994, <http://www.icomos.org/en/charters-and-texts/179-articles-en-francais/ressources/charters-and-standards/386-the-nara-document-on-authenticity-1994>.

Throsby, David, «Economic & Cultural Value in the Work of Creative Artists», *Values & Heritage Conservation*, Erica Avrami, Randall Mason, Marta Dela Torre, Getty, Los Angeles, 2000, 26-31.

Trigger, B., *A History of Archaeological Thought*, Cambridge University Press, New York, 1989.

Ueda, K., T., Takenaka, J., Vancza, L. Monostori, «Value Creation & Decision-Making in

Sustainable Society», *CIRP Annals- Manufacturing Technology*, 58, 2009, 681-700.

Vandeth, Jan, Elinor Scarbrough, *The Impact of Values*, Oxford University Press, Oxford, 1995.

Vecco, Marilena, «A definition of cultural heritage: From the tangible to the intangible», *Journal of Cultural Heritage*, 11, 2010, 321-324.

VENICE CHARTER, INTERNATIONAL CHARTER FOR THE CONSERVATION&RESTORATION OF MONUMENTS&SITES, Venice, ICOMOS, 1964, www.icomos.org/charters/venice_sp.pdf.

Webster, Merriam, *Websters new dictionary of synonyms*, Merriam Webster inc, USA, 1968.

Zafirovski, Mila, *The Enlightenment&Its Effects on Modern Society*, Springer Science&Business Media, 2010.

VonHartmann, Eduard, *Grundriss der Axiologie*, Hermann Haacke, 1908.

